

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ می ۲۰۲۰

شوکه شدن "پمپئو" و کنترل بازار در زیر چتری "سلطانزوی"!

جمعه- ۱۹ ثور ۱۳۹۹- کابل: هر چند اکثر و حتا تمام سیاستبازان و زمامداران موجود در سطح جهانی همه ریاکار، دروغگو، جنایتکار و دشمن مردم خود و مردم جهان اند و در داشتن صفات متذکره رقابت تنگاتنگی بین همه آنها وجود دارد، با آنها در بین آنها کسانی اند که از جمع تمام صفات خبیثه، یک و یا چند صفت در آنها آنقدر متباز و برجسته است، که هیچ رقیبی به گرد آنها نیز نمی رسد. در یادداشت امروز دو نمونه از چنین سیاستبازان ریاکار را معرفی می داریم:

۱- روز گذشته، "مایک پمپئو" وزیر خارجه آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن، به ارتباط به دریا افگندن پناهجویان افغان از طرف رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی، در حالی که می کوشید خود را غمگین نشان دهد، گفت: "از دیدن آن صحنه ها شوکه شده است".

شنیدن چنین حرفی از دهن یک انسان عادی و یا هم یک سیاستمداری که دستانش تا مرفق به خون خلفهای جهان آغشته نباشد، نه تعجب برانگیز است و نه هم دور از انتظار و از همه بالاتر اهانت به شعور مخاطبان نیز نیست، مگر شنیدن چنین حرفی از دهن فردی که از دهه ها بدین سو، نردبان ترقی وی، میزان موفقیتش در کشتار انسانها بوده است، نه تنها "شوکه کننده" و تعجب آور است، بلکه غیر مستقیم دشنام و اهانت به شعور جمعی تمام انسانهای کره زمین نیز می باشد.

با در نظر داشت این که رسماً و عملاً "پمپئو" سکندار سیاست خارجی دولت "ترمپ" است و با در نظر داشت این که از زمان روی کار آمدن دولت "ترمپ" به صد ها هزار نفر از امریکای لاتین که خواهان مهاجرت به ایالات متحده آمریکا هستند، در عقب دروازه های مکسیکو و بقیه کشور های دور و نزدیک امریکا در بدترین شرایط به سر می برند و با در نظر داشت آن که از ظلم مضاعف "ترمپ-پمپئو" نظر به احصائیه های خودشان تنها ۱۵ هزار کودک به اجبار از خانواده های شان جدا ساخته شده در کمپ هایی نگهداری می شوند که هریک از موظفان بد تر و شنیع تر از گشتاپوها و اس اس های المان عمل می نمایند، و بادر نظر داشت این که در اوج گسترش کرونا، دولت ترمپ به ده ها هزار از باشندگان امریکای لاتین را که ویزای کار آنها در ایالات متحده در حال اختتام بود، با جبر و ستم روانه کشور های شان ساخت و بدان طریق بیشترین نقش را در گسترش مرض مرگبار کرونا در امریکای لاتین ایفاء نمودند، شنیدن

چنین حرفهائی از دهن "پمپئو"، نه تنها اوج بی حیائیت، نه تنها توهین به شعور شنونده است، بلکه واقعاً "شوک آور" نیز می باشد.

هموطنان گرامی!

در این که رژیم داروتازیانه جمهوری اسلامی از همان آغاز بر روی جنایت پایه گذاری شده و تا امروز به همان سیاست ادامه می دهد هیچ جای شکی نیست، در این که رژیم ولایت جهل، دشمن مردم افغانستان و مردم سراسر جهان است باز هم شکی نیست، زیرا رژیمی که دشمن خلق خودش باشد، به هیچ صورت نمی تواند دوست خلقهای دیگر باشد، بلکه با آنها نیز دشمن است. اما این که سرسلسله جنایات در ۷۵ سال اخیر بیاید و از جنایت یک رژیم دیگر خود را شوکه شده نشان دهد، بدان ماند که گرگ درنده ای در حالی که از دهانش خون شکارش می چکد، بیاید و از توحش پشک خانه خانگی حین شکار یک گنجشک پروبال زخمی، خود را شوکه شده نشان دهد.



۲- مورد دوم گشت و گذار است که دیروز، دلک بی آرم "غنی احمدزی" به اصطلاح شاروال کابل "سلطانزوی" جهت کنترل توزیع نان در قسمت هائی از شهر کابل انجام داد.

هموطنان گرامی!

ما و شما در کتب تاریخ خوانده ایم که تعدادی از شاهان که خود را عادل و رعیت پرور معرفی می نمودند، در عین حالی که عمدتاً از خون خلقهای کشور خود و یا هم کشور های همسایه ارتزاق می نمودند، گاهگاهی با لباس مبدل بدون خبر درباریان و محافظان، به شهر گشت و گذار نموده، از نرخ و نوا و وضع زندگی مردم و برخورد مأموران دولتی و حاکمان آن با مردم خود را با خبر می ساختند تا بتوانند جلو زیاده روی های درباریان را بگیرند.

گذشته از کتب تاریخ، در این اواخر که فیلمهای سینمایی و سریالهای ترکی، کوریائی و هندی نیز تلویزیون های افغانستان را جولانگاه خود ساخته اند، همه روزه چنین "غریب نوازی" ها و گشت و گذار های ریاکارانه را دیده ایم. آنچه در تمام آن نمایشات وجود دارد، لباس مبدل و ناشناس ماندن حاکم، پادشاه و یا امپراتور است.

در ملک ما که به حکم وضعیت مستعمراتی کشور همه چیز می باید مسخره شده کاریکاتوری از واقعیت جلوه داده شود، کنترل شخصی "سلطانزوی" مصداق کامل چنین ابتدالی بود. چه این

دلک پرعقده و دزد طیاره، به جای لباس مبدل به تقلید از استعمارگران انگلیس در نیم قاره هند، یکی از افراد بی شخصیت تر از خودش را نیزوظیفه داده بود تا چتری را بر بالای سرش بگیرد. این انسان رسوا و بی شخصیت فراموش نموده بود از قبل به نانوائی ها دستور دهد، تا فرش قرمز نیز سر راهش پهن نمایند.

تا جائی که از مطالعه تاریخ معاصر و داستانهای که نسل قبل قصه می کنند، بر می آید گویا "امیر حبیب الله کلکانی" و بعد ها "انجنیر غلام محمد فرهاد" معروف به "پاپا" نیز از این کارها نموده اند، در اینجا سوالی که مطرح می گردد این است:

"سلطانزوی" از کدامیک تقلید می نماید، امیر حبیب الله کلکانی و یا غلام محمد فرهاد؟
مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده است!

